

**Independence and freedom in the Islamic revolution;
Expectations and needs: an analysis on the horizon
of the second step of the revolution**

Received: 02/11/2022

Accepted: 17/03/2023

Sharif Lakzaee*

(308-334)

The idea that this writing seeks to expand is to ponder the importance of independence and freedom and the key role of these two in the progress and development of society and especially in the creation of civilization. Therefore, the driving engine of the revolution is independence and freedom, and as much independence and freedom develop in the society in a desirable way, we can hope that the revolution has taken a step towards progress, which is itself a prelude to achieving a new civilization. No matter how much independence and freedom is threatened and limited, the revolution has moved away from its original goals and has failed. It is for this reason that two original demands have been placed in independence and freedom, which have been demanded in the last hundred years, that is, the rejection of colonialism and the rejection of tyranny, which are two layers of independence and freedom, and in the statement of the second step. It is clearly highlighted. The topics of this article, with a descriptive and analytical method, will be an overview of the concept of freedom and three social freedoms, including decision making, acting and thinking. In the following, he looks at the issue of national independence, which includes the freedom of the nation and the government. In addition to the fact that it is one of the theoretical foundations of the Islamic revolution and human responsibility, this concern is because the people's aspect of the revolution and the role of the people in the continuation of the revolution is vital.

Keywords: Independence, freedom, state, nation, political freedom, national independence, Islamic revolution.

* . Associate Professor, Department of Political Philosophy, Research Institute of Political Science and Thought, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran, sharif@isca.ac.ir.



سیارستاری

استقلال و آزادی در انقلاب اسلامی؛ رهاوردها و بایسته‌ها: تحلیلی در افق گام دوم انقلاب

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۶

شریف لکزایی*
(۳۰۸-۳۳۴)

چکیده

ایده‌ای که این نوشته در پی بسط آن است، تعمق در باب اهمیت استقلال و آزادی و نقش کلیدی این دو در پیشرفت و توسعه جامعه و به ویژه نقش آفرینی در پیدایش تمدن است. از این رو، موتور محرکه انقلاب، استقلال و آزادی است و هر مقدار که استقلال و آزادی در جامعه به صورت مطلوبی توسعه یابد می‌توان امیدوار بود که انقلاب به سمت پیشرفت گام نهاده که خود مقدمه‌ای برای نیل به تمدن نوین است و هر مقدار استقلال و آزادی تهدید و تحدید شود انقلاب از اهداف اصیل خود دور شده و ناکام بوده است. از این رو است که دو خواست اصیل در استقلال و آزادی نهاده شده است که در بیش از یک صد سال اخیر مورد مطالبه بوده است یعنی نفی استعمار و نفی استبداد که دولا به استقلال و آزادی به شمار می‌روند و در بیانیه گام دوم نیز به نحو آشکاری برجسته شده است. مباحث این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی، مروری خواهد بود بر مفهوم آزادی و آزادی‌های سه‌گانه اجتماعی از جمله تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن. در ادامه نگاهی دارد به مسئله استقلال ملی که شامل آزادی ملت و دولت است. این اتمام، افزون بر آن که در شمار مبانی نظری انقلاب اسلامی و مسؤولیت انسان به شمار می‌رود، از آن رو است که وجه مردمی انقلاب و نقش آفرینی مردم در تداوم انقلاب امری حیاتی است.

واژگان کلیدی: استقلال، آزادی، دولت، ملت، آزادی سیاسی، استقلال ملی، انقلاب اسلامی.

* . دانشیار گروه فلسفه سیاسی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم،

مقدمه

پیرو ابلاغ بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، یکی از شعارهای اصلی و اصیل انقلاب اسلامی یعنی «استقلال - آزادی» در طی چهل و سه سال گذشته از امکان رصد و بررسی و آسیب‌شناسی برخوردار شد. این بررسی و رصد و آسیب‌شناسی فضای گام اول می‌تواند به استحکام و استواری گام دوم در مسئله استقلال - آزادی کمک نماید. تصور این است که آنچه در چهل سال نخست انقلاب اسلامی گذشته، تجربه گران‌قدری فرا روی ما قرار داده است که می‌تواند کمک مهمی برای اصلاح مسیر پیش پای ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی باشد. اگر بر اصل استقلال - آزادی و به‌ویژه آزادی سیاسی به‌عنوان یکی از سه مفهوم اصلی شعار اصیل و خواست اصلی انقلاب اسلامی یعنی «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» صحه گذاریم، به نظر می‌رسد با اهداف مورد نظر انقلاب اسلامی همچنان فاصله زیادی وجود دارد. این فاصله و خلأها و چالش‌هایی که در بحث استقلال - آزادی فرا روی جمهوری اسلامی است در گام دوم باید مورد توجه قرار گرفته، اصلاح شود و در پاره‌ای از موارد تکمیل و تعمیق شود.

یکی از نکات بارز آن‌که بر مطلب فوق، یعنی فاصله خواست انقلاب اسلامی با استقلال - آزادی، صحه می‌گذارد، فراز مهمی از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، درباره مسئله آزاداندیشی است که فرمودند صدبار دربارہ انجام کرسی‌های آزاداندیشی تصریح کرده‌ام ولی این مهم تحقق نیافته است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳). این مهم در پی آن مطرح شد که در نیمه دهه ۱۳۷۰ ایشان در پاسخ به نامه جمعی از نخبگان حوزه علمیه به ترسیم این مسئله پرداخته و تصریح کردند که کرسی‌های آزاداندیشی تشکیل شود. از آن سال، بارها از عدم تشکیل چنین جلسات آزاداندیشانه‌ای گلایه کرده‌اند که این گلایه از یک سوی و عدم تحقق کرسی‌های آزاداندیشی از سوی دیگر رخداد و مسئله‌ای اعجاب‌آور و سؤال‌برانگیز و البته نیازمند تحلیل و بررسی است. این يك مسئله بسیار مهم است و طبق تفسیری که پاره‌ای از متفکران انقلاب اسلامی از جمله استاد مطهری به‌عنوان ایدئولوگ آن و آیت‌الله جوادی آملی به‌عنوان یکی از متفکران برجسته حامی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و نظریه

ولایت فقیه دارند، این انقلاب بیش از هر چیز یک انقلاب فکری و فرهنگی بوده و عنصر اصلی و اصیل آن آگاهی و معرفت و دانش است که به‌عنوان ویژگی ممتاز انقلاب اسلامی باید برای تحقق آن تلاش شود. آیت‌الله جوادی آملی بر این نظرند که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اگرچه تعدادی از زندانیان سیاسی هم آزاد شدند اما مهم‌تر از آن این بود که علوم اسلامی تا حدودی آزاد شدند و راه برای رشد و شکوفایی این دانش‌ها فراهم شد (لک‌زایی، ۱۳۸۷، ۱۲۵). این مسئله از آن‌رو اهمیت می‌یابد که می‌تواند مبنایی برای پیشرفت و بستر و زمینه‌ای برای پیدایش تمدن نوین اسلامی باشد. بنابراین از این منظر نیز استقلال - آزادی و به‌ویژه مبانی انقلاب اسلامی نقش برجسته و کلیدی می‌یابد.

معطوف به آنچه گذشت، به‌ویژه در بررسی ناکامی‌ها در تحقق جامع‌تر سطوح آزادی و ابعاد استقلال در جامعه ایرانی، می‌توان گفت گام اول انقلاب اسلامی نشان داده است که استقلال - آزادی موتور محرک انقلاب اسلامی است و نباید تحت هیچ شرایطی تضعیف و تخریب و با به‌صورت غیرمنطقی تحدید و تهدید شود. طبیعی است آنچه در اینجا مورد نظر است، آزادی سیاسی و اجتماعی و آزادی فکری و علمی و به‌ویژه نقش‌آفرینی مردم در همه صحنه‌های عمومی جامعه اعم از فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و استقلال ملی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ایده‌ای که مقاله حاضر در پی بسط و تبیین آن است، تعمق در باب اهمیت استقلال و آزادی و نقش کلیدی این دو در پیشرفت و توسعه جامعه و به‌ویژه نقش‌آفرینی در پیدایش تمدن است که در سخنان رهبران انقلاب اسلامی نیز به‌وضوح مطرح شده است. اینک با توجه به فضای بحث و گفت‌وگو درباره گام دوم انقلاب اسلامی می‌توان بیشتر به آن پرداخت و بر ابعاد مختلف آن تأکید کرد. به‌باور نگارنده، موتور محرکه انقلاب اسلامی همانا استقلال و آزادی است و هر مقدار که استقلال و آزادی در جامعه به‌صورت مطلوبی توسعه یابد می‌توان امیدوار بود که انقلاب اسلامی به سمت پیشرفت گام نهاده است که خود مقدمه و زمینه‌ای برای نیل به تمدنی نوین است. از این‌رو هر مقدار استقلال و آزادی تهدید و تحدید شود می‌توان گفت که انقلاب اسلامی از اهداف اصلی و اصیل خود دور شده و در تحقق این اهداف ناکام بوده است. از این‌رو است که دو خواست اصیل در استقلال و آزادی نهاده

شده است که همواره در یک‌صد سال اخیر در ایران مطالبه شده است که عبارت‌اند از نفی استعمار و نفی استبداد که دو رویه استقلال و آزادی به شمار می‌روند و در بیانیه گام دوم نیز به نحو آشکاری برجسته شده و وضوح یافته است.

مقاله حاضر با چنین ایده‌ای، تأمل و گفت‌وگو درباره این پرسش را پیش روی خود نهاده است که به منظور ایجاد و زمینه‌های پیشرفت و تمدن، استقلال و آزادی به‌ویژه در گام دوم انقلاب واجد چه اهمیتی است و چه سطوح و عرصه‌هایی را شامل می‌شود که باید تحقق یابد؟ مباحثی که در ادامه خواهد آمد، ضمن توجه به این که استقلال و آزادی موتور محرکه انقلاب اسلامی در گام دوم پیش روی است، مرور و تأکیدی خواهد بود بر مفهوم آزادی و به‌ویژه آزادی‌های سه‌گانه اجتماعی از جمله حق تصمیم‌گیری و حق عمل کردن و حق اندیشیدن که باید در سال‌های پیش روی گفت‌وگوی بیشتری درباره آن‌ها صورت گیرد و به عمل نزدیک شود. در ادامه نگاهی دارد به مسئله استقلال ملی که شامل آزادی ملت و دولت است. این موضوع در گام دوم انقلاب اسلامی در آرای رهبران انقلاب اسلامی باید مورد توجه بیشتر و عمیق‌تری قرار گیرد. این اهتمام، افزون بر آن که در شمار مبانی نظری انقلاب اسلامی و مسؤولیت انسان به شمار می‌رود، از آن رو است که وجه مردمی انقلاب اسلامی و نقش‌آفرینی مردم در تداوم انقلاب اسلامی امری حیاتی است و قابل‌خداشه نیست. گفتارهای رهبران انقلاب ایران نشان می‌دهد که آنان نسبت به این مسئله حساس بوده و در تکاپوی تحقق ابعاد مختلف آن در جامعه بوده‌اند.

۱. پیشینه تحقیق

ایده این مقاله به‌رغم آن که تاکنون مباحث متنوعی در زمینه استقلال و آزادی منتشر شده است، طرح نشده و تازگی دارد. در واقع با بررسی پیشینه مباحثی که تا الان منتشر شده‌اند باید گفت این مباحث با تأمل در نسبت استقلال با آزادی که ناظر به انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم باشد مورد توجه قرار نگرفته است. مثلاً جواد عقیلی پور (۱۳۹۹) در کتاب گام دوم انقلاب: استقلال و آزادی و مجتبی صابری (۱۳۹۹) در کتابی با عنوان گام دوم انقلاب اسلامی: توصیه پنجم (استقلال و آزادی) به این دو مفهوم پرداختند، اما نسبت آن‌ها را

بررسی نکردند. مقالاتی هم این دو مفهوم را بررسی کردند. یکی از آن‌ها مقاله «نقد استقلال ارزش آزادی قراردادی» به قلم مختار نعم (۱۳۸۷) است وی در نقد این باور است که اصل آزادی قراردادی همان تبلور اصل بنیادین و فلسفی استقلال (حاکمیت) اراده در عالم حقوق است، لذا پس از مروری بر انتقادهای این باور، نتیجه می‌گیرد که این انتقادهای اگر جدی گرفته شوند، می‌توانند به این نتیجه سوق دهند که مداخله مصلحت‌آمیز قانون در آزادی قراردادی الزاماً به معنی انکار اصل طبیعی و اساسی استقلال اراده نیست. با وجود این، این دسته مقالات، اندیشه رهبری را در کانون پژوهش خود قرار ندانند.

مقالات فراوانی هم وجود دارد که فقط به استقلال یا فقط به آزادی پرداخته‌اند. در این راستا کتاب یا مقالاتی آرای رهبر معظم انقلاب در زمینه استقلال یا آزادی را به صورت مستقل منتشر کرده‌اند. در این خصوص می‌توان به کتاب استقلال آزادی در مقیاس یک ملت: بازخوانی مفهوم استقلال در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی به قلم روح‌الامین سعیدی (۱۳۹۴) یا مقاله «بررسی آزادی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری» تألیف محمود علی پور گرجی (۱۳۹۰) اشاره کرد. از این رو، به زحمت می‌توان مقاله برجسته‌ای یافت که هم‌زمان به این دو مؤلفه کلیدی توجه کرده باشد، در نتیجه، مقاله حاضر با مفروض انگاشتن مباحثی که تاکنون به‌ویژه به لحاظ نظری در این زمینه انجام گرفته است به بحث درباره ایده طرح شده پرداخته است و با تمرکز بر بحث آزادی و در رویکردی تمدنی تلاش کرده به این مسئله بپردازد. این ایده که در بالا نیز به اختصار مورد اشاره قرار گرفت تاکنون طرح نشده و بنابراین وجه نوآوری این مقاله در نسبت مسئله استقلال و آزادی با پیشرفت و توسعه خودش را مورد بازخوانی قرار می‌دهد که بر اساس چارچوب نظری بومی و برگرفته از دانشمند مورد بحث یعنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ارائه می‌شود.

۲. مبانی

۲-۱. مفاهیم

دو مفهوم آزادی و استقلال در نسبت و ارتباط با همدیگر قابل تحلیل هستند و با یکدیگر ربط و نسبت وثیقی دارند: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و

زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷). مفهوم آزادی به سطحی از کنش‌های داخلی اشاره دارد که در آن مردم در عرصه سیاست داخلی دارای نقش و صاحب اثرگذاری در تعیین سرنوشت خود هستند. به تصریح بیانیه، آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است که در مجموع ابعاد مهمی از سطوح آزادی را منعکس می‌نماید. بنابراین آنچه در اینجا مورد تأکید قرار گرفته است، آزادی اجتماعی در سه گانه مورد اشاره است که باید توضیح داده شود. این بخش به نوعی رهایی از خود و ساختارهایی است که حوزه عمل فردی و جمعی را در داخل کشور تحت الشعاع قرار می‌دهد و مراد از آن، رهایی از «عرصه داخلی یا استبداد» است. سطح دیگر این بحث به حوزه عمل و اقدامات تحمیلی و سلطه‌گری‌های دولت‌های خارجی در قبال یک ملت و دولت به طور هم‌زمان اشاره دارد که با عنوان استقلال ملی از آن یاد می‌شود. به تصریح بیانیه، استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. این بخش به نوعی رهایی از دیگری یعنی «عرصه خارجی یا استعمار» است. این هر دو در دو سطح به آزادی می‌پردازد: یکی به حوزه آزادی و اقتدار ملت و دولت و دیگری به حوزه آزادی اجتماعی ملت. نگارنده در بخش‌های بعدی به تفصیل از هر کدام از این موارد سخن می‌گوید و ابعاد و سطوح هر کدام را از همدیگر باز می‌کند.

۲-۲. مفروضات

۲-۲-۱. استقلال و آزادی در شمار ارزش‌های اسلامی:

بیانیه درباره ارزش استقلال و آزادی واجد صراحت زیادی دارد: «این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی اند و این هر دو عطیه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ‌کدام تفصیل حکومت‌ها به مردم نیستند» (همان). بنابراین هم استقلال و هم آزادی، به رغم برخی دیدگاه‌های متحجرانه در این زمینه، در شمار ارزش‌های اسلامی هستند و می‌توانند در یک جامعه اسلامی به عنوان مفروض تلقی شوند. بنابراین نباید انگ وارداتی به ارزش‌هایی مانند

استقلال و آزادی زده شود. چنانکه در نهضت مشروطیت این موضوع به یکی از نقاط بحث برانگیز و اختلافی مبدل شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: لک زایی، ۱۳۸۵). آزادی و استقلال، ارزش‌هایی اسلامی و اصیل‌اند که نباید توسط هیچ فرد و نهاد و حکومتی از ملت و دولت دریغ شوند.

از این رو است که بخش دوم این جمله نیز معنا و اهمیت می‌یابد و آن این‌که آزادی و استقلال عطیه‌ی خداوند هستند نه تفضل حکومت‌ها به مردم. بنابراین برخورداری از آزادی و استقلال واجد بنیان اصیل و عظیمی می‌شود که در ارتباط مستقیمی با دولت قرار ندارد و به نوعی خدادادی است و از این حیث نیز ارزشمند به شمار می‌آید. از این جمله همچنین استنباط می‌کنیم که حکومت‌ها نمی‌توانند هرگونه اراده کردند با آزادی مردم مواجهه داشته باشند. به ویژه در انقلاب اسلامی این مسئله مهم‌تر و بنیادی‌تر است؛ به سبب این‌که خواسته‌ی اصیل مردم در یک قرن اخیر بوده و همواره مردم از محدودسازی آزادی شکوه و گلایه داشته و بلکه از عدم تأثیرگذاری‌شان در تعیین سرنوشت خود چه در عرصه‌ی داخلی و چه در عرصه‌ی خارجی ناراضی بوده‌اند و در بسیاری مواقع تاریخی این ارزش الهی و این عطیه‌ی خداوند از آنان دریغ شده است. از این رو می‌توان گفت بخش عمده‌ای از عقب‌ماندگی‌ها و عدم پیشرفت‌ها ناشی از فقدان آزادی و استقلال است. حال انقلاب اسلامی در قالب جمهوری اسلامی میراث‌دار چنین خواستی است که به نحو معقول و منطقی و قانونی و شرعی باید این میراث عظیم را پاسداری کند و با تحقق عملی استقلال و آزادی بر پیشرفت‌ها بیفزاید و بستری برای تمدن‌سازی آماده نماید.

۲-۲-۲. حکومت‌ها موظف به تأمین استقلال و آزادی:

مطلب دوم بر اساس تصریح بیانیه این است که «حکومت‌ها موظف به تأمین» استقلال و آزادی هستند (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). این تصریح یادآور آن است که همواره حکومت‌ها یکی از مهم‌ترین ناقضان و سلب‌کنندگان استقلال و آزادی در طول تاریخ بشریت و در نتیجه عدم پیشرفت جوامع بوده‌اند. در ایران نیز یکی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی همانا دستیابی به استقلال و آزادی بود. افزون بر این‌که خواست مردم اثرگذاری در

فرایندهای اجتماعی و سیاسی و قدرت‌کنشگری در تعیین سرنوشت آنان در عرصه داخلی و خارجی و عبور از همه عقب‌ماندگی‌ها بود. در واقع با توجه به این که حکومت مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نهاد در هر جامعه تلقی می‌شود و قدرت زیادی در دستان حکومت‌ها متمرکز شده است و هرگاه اراده کنند می‌توانند با قدرت خویش به تحدید و تهدید استقلال و آزادی اقدام کنند، از این رو بیانیه از وظیفه حکومت‌ها در زمینه آزادی سخن می‌گوید و به صراحت این وظیفه را در تأمین آزادی و استقلال برعهده حکومت‌ها می‌شمارد. به بیان دیگر، بر اساس آنچه ماکس وبر (برای مطالعه یک دیدگاه در این زمینه ر.ک: گل‌محمدی، ۱۳۹۵) در بحث دولت می‌گوید، حکومت‌ها واجد ابزار مشروع قدرت و سرکوب و ارائه خدمات گوناگون هستند و از این رو می‌توانند از این ابزار برای خدمت به مردم و حفظ و پاسداشت حقوق آنان بهره‌برند و یا این که از این ابزار سوء استفاده کنند و در راستای اهداف شخصی و حزبی و گروهی خود از آن سوء استفاده کنند و بهره‌برند. آنچه در اینجا می‌تواند مؤثر باشد، ابزارهای نظارتی و کنترلی و به ویژه وابستگی هر چه بیشتر حکومت‌ها به مردم است. حکومت‌هایی که خود را بی‌نیاز از حمایت مردمی بدانند طبیعتاً در خدمت آنان نیز نیستند. این مطلب نقطه تمایز انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران است که از زمان برآمدن به نحو کاملی متکی بر حضور مردم بوده است و بدون حضور و نقش‌آفرینی مردم هیچ معنای محصلی ندارد و از بافت اصیل خود تهی شده است.^۱

۲-۲-۳. استقلال و آزادی محصول چهار دهه جهاد و مقاومت:

مفروض دیگر این است که استقلال و آزادی موجود در ایران اسلامی - با هر نقص و کاستی‌ای که قابل مشاهده است - محصول چهار دهه جهاد و مقاومت و همراهی ملت ایران در این زمینه است. در واقع اگر گذشته مبارزاتی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نگیرد تنها در دوره ۴۲ ساله انقلاب اسلامی این دو عنصر به طور مداوم در معرض خطر و نابودی و تباهی قرار گرفته است. از حرکت‌های تجزیه‌طلبانه آغازین سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا ترور مدیران تراز اول نظام سیاسی نوپای جمهوری اسلامی ایران

۱. در قسمت نظریه دولت نیز اهمیت می‌یابد که جای طرح آن اینجا نیست.

و ترور مردم مؤمن و متدین و وفادار به انقلاب اسلامی در کوچه و خیابان و بازار تا حمله حزب بعث عراق به ایران و نیز حضور برخی از مدیران و کارگزاران نالایق و ناشایست در پست‌ها و مناصب تأثیرگذار و مهم و... همه به نوعی استقلال و آزادی را در خطر قرار داده‌اند. بیانیه اما تصریح می‌کند که: «منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله خود از جمله آن‌ها است» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). بنابراین ملت ایران منزلت این دورا بیش از دیگران می‌داند؛ زیرا افزون بر آنچه گفته شد، طعم تلخ سال‌ها تحریم‌های غیرقانونی دولت ایالات متحده آمریکا را نیز در کارنامه چهل ساله خود دارد. پیوند هر چه بیشتر ملت و دولت می‌تواند کاستی‌های قابل مشاهده در مسیر پیشرفت را از میان برداشته و مسیر مطلوبی را برای زیست مؤمنانه در جامعه فراهم نماید.

۲-۲-۴. آزادی، خون آورده‌ها هزار انسان:

در بخش دیگر بیانیه، آزادی، دستاورد و بلکه خون آورده‌ها جوانان این مرز و بوم به شمار آمده است. در واقع مردم برای رسیدن به آزادی و نقش آفرینی در حوزه اجتماعی یعنی داشتن حق تصمیم‌گیری، حق عمل کردن و حق اندیشیدن، خون‌های زیادی به پای آزادی ریخته‌اند: «استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد و بلکه خون آورده‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷). جدای از آنچه در بند بالا گفته آمد، خون‌های زیادی برای حفظ استقلال و آزادی در چهل سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی هزینه شده است و نباید با ناکارآمدی برخی از مدیران حکومت به آسانی این خون‌ها به هدر رود و بلکه هر ساله باید استقلال و آزادی عمیق‌تر و نهادی‌تر بشود و برخورداری مردم از آزادی بسط و گسترش یابد و خطرات مسیر برخورداری مردم از آزادی سیاسی از میان برداشته شود.

۲-۲-۵. ممنوع بودن تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه:

مینای بعدی بیانیه نیز در تداوم بحث بالا و لزوم حفظ و پاسداشت استقلال و آزادی و بلکه هشدار برای مراقبت و محافظت از آن طرح شده است: «این ثمر شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب را

با تأویل و توجیه‌های ساده لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند» (همان). درواقع هدف این است که از منزلت استقلال و آزادی پاسداری شود و نباید به‌گونه‌ای مشی شود که این دستاورد بسیار مهم با تأویل و توجیه‌های ساده لوحانه و یا مغرضانه از دست برود. افزون بر این که به نظر، خود مردم و جوانان و نخبگان باید از این دو دستاورد که گمشده‌ی ما در دوره‌های گذشته و به‌طور خاصی دوره‌ی معاصر است، دولت نیز در این زمینه وظیفه‌ای برعهده دارد. دولت در کنار همگان باید به حفظ و حراست از این دستاورد حراست و محافظت نماید.

۲-۲-۶. مردود بودن استقلال به معنای محصور کردن سیاست و اقتصاد درون مرزها و آزادی به معنای تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی

مبنای پایانی بیانیه درباره استقلال و آزادی بر نکته‌ی بسیار مهمی تأکید کرده است: «بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود» (همان). استقلال نباید به معنای عدم ارتباط و نداشتن مناسبات و تعاملات مختلف و فقدان دادوستد با دنیا تعریف شود. در صورتی که چنین تصویری از استقلال در اذهان باشد، به تعبیر مهم بیانیه، نتیجه‌ای جز زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود عاید نخواهد شد. از این رو حراست و حفاظت از استقلال کشور واجد مرز بسیار دقیق و باریکی است که ممکن است کشور را به سمت خطر دیگری پرتاب نماید و ارتباطات و مناسبات کشور را با دنیا قطع و تحت تأثیر قرار دهد. این بعد خارجی که استقلال ملی است مورد تأکید و تصریح بیانیه است. اما بعد داخلی و آزادی اجتماعی نیز نباید به تقابل با اخلاق و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی بینجامد. حفظ این نقاط به نظر از اصل محافظت و حراست از این دو مهم تر است. درواقع اگرچه استقلال و آزادی مورد حفاظت و حراست همگان و به‌ویژه دولت است اما خوانش و تفسیر نادرست از این دو می‌تواند به قیمت از بین رفتن استقلال ملی و آزادی اجتماعی ختم گردد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به

این وضعیت توجه داشته است و در اصل نهم می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کم‌ترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهارم).

بنابراین گذشته از درهم تنیدگی دو ارزش استقلال و آزادی به یکدیگر، حراست از این دو ارزش که دستاورد عظیم انقلاب اسلامی است، در عرصه‌های مختلف بر دوش دولت و آحاد ملت است و در نتیجه نباید به بهانه آزادی، استقلال مورد خدشه قرار گیرد و نباید به بهانه استقلال، آزادی محدود شود. از این رو است که قانون اساسی این هر دو را در کنار یکدیگر مورد ملاحظه و توجه قرار داده است (لک‌زایی، ۱۳۸۰).

این نگاه روشن می‌سازد که دولت، به تعبیر جونل میگدال، دو عرصه فعالیت دارد که در دو عرصه داخلی و خارجی و عرصه استقلال و آزادی قابل تطبیق است. از این منظر دولت‌ها در دو عرصه متقاطع فعالیت می‌کنند که نخستین عرصه جهانی است که در آن مسؤولان دولت با نمایندگان دیگر دولت‌ها، شرکت‌های بزرگ، سازمان‌های بین‌المللی و دیگر بازیگران فراملی تعامل می‌کنند. عرصه دوم عرصه جامعه است که دولت به دنبال حکومت بر آن است (میگدال، ۱۳۹۵، ۹۱) و طبیعتاً سازوکارهای خود را در این زمینه دارد و بیشتر مربوط به حوزه حدود آزادی و اختیار دولت و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم و احزاب و نهادهای غیر دولتی است. روشن است که این وضعیت می‌تواند به دولت قوی و یا دولت ضعیف منتهی شود. میگدال معتقد است که «ایجاد دولت‌های قوی که قادر باشند قواعدی را در جوامع شان برقرار کنند، صرفاً معیاری انتزاعی برای رهبران دولت نیست؛ بلکه الزامات آشکاری از درون و بیرون جامعه برای ایجاد دولتی تا حد ممکن قوی وجود دارد» (همان، ۹۸). بنابراین موضوع پیوند و ارتباط دولت‌ها با استقلال و آزادی که سطوح بیرون و درون جامعه را به یکدیگر متصل می‌کند می‌تواند بسیار پیچیده و البته با اهمیت باشد.

۲-۳. چارچوب نظری

برای تبیین نسبت دو مفهوم از جمله نسبت آزادی و استقلال چارچوب‌های مختلفی وجود دارد؛ یک چارچوب رایج، دستگاه نسب اربعه است که در دانش منطق تبیین و ارائه شده است، چارچوب دیگر، چارچوب نسبت سنجی مفاهیم بر اساس دیدگاه قرآنی است، از جمله رابطه تأثیر و تأثر افزایشی مثبت، مثل رابطه عمل صالح و ایمان (احزاب: ۲۲)، رابطه تأثیر و تأثر افزایشی منفی، مانند رابطه داشتن قلب مریض و افزایش بیماری (بقره: ۱۰)، رابطه تأثیر و تأثر مساوی، برای نمونه: رابطه مسلمانان در توأسی به حق و صبر و رحمت (عصر: ۳) و...، چارچوب بعدی که از دانش اصول فقه قابل فهم و دریافت است، روابطی همچون اطلاق و تقیید، عام و خاص، حکومت، ورود، تخصیص، تخصص و... را ارائه می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای، خود، از ظرفیت دستگاه سنجش مفهومی دانش اصول فقه استفاده نموده (خراسانی، ۱۴۲۶، ۱۳۵) و تصریح کرده‌اند که ذکر استقلال بعد از آزادی، ذکر عام بعد از خاص است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴ / ۱۶ / ۱۶). با این توضیح که آزادی عام و استقلال خاص و بخشی از آزادی است و تقویت هر یک موجب تقویت دیگری می‌شود یعنی در ابتدا اینگونه است که استقلال، از آزادی متولد می‌شود و در ادامه رابطه این دو تأثیر و تأثر متقابل می‌شود و تقویت و ارتقای استقلال به تقویت و ارتقای آزادی می‌انجامد. به دیگر سخن آزادی به استقلال می‌انجامد و افزایش و تقویت استقلال باعث استحکام و تعمیق هرچه بیشتر ریشه، تنه و شاخه‌ها و میوه‌های درخت آزادی می‌شود. لذا دست کم دو چارچوب در اینجا قابل استفاده است که یکی عام و خاص و دیگری تأثیر و تأثر افزایشی مثبت می‌باشد.

۳. آزادی اجتماعی

اگرچه بحث درباره مفهوم آزادی بر مفهوم آزادی اجتماعی تقدم دارد اما در این مقاله نمی‌خواهم خواننده را درگیر بحث مفهوم آزادی سازم و با توجه به بحث مختصر بعدی این بحث را به نوعی مفروض تلقی می‌کنم. از این رو در بحث از مفهوم آزادی به آنچه در نظریه مک‌کالوم آمده است بسنده می‌کنم. به نظرم هر برداشتی از مفهوم آزادی نمی‌تواند خارج از

فضای این نظریه قرار گیرد. حتی دیدگاه آیزایا برلین که به بسط مفهوم مثبت و مفهوم منفی آزادی پرداخته نیز در قالب نظریهٔ مک کالوم^۱ قابل تحلیل است. این دیدگاه بر مفهوم واحد از آزادی اما بر برداشت‌های متعدد از آن تأکید می‌کند. برای همین به نظر می‌رسد که می‌تواند همهٔ تلقی‌ها از آزادی را در بر گیرد.

مک کالوم بر این نظر است که آزادی همواره واجد یک مفهوم است اما در کنار آن، البته برداشت‌های فراوانی از آزادی وجود دارد که نباید گمان شود که به معنای تکثر مفهومی آزادی است. نظریه مک کالوم به اجمال این است که فرد از یک سری موانع آزاد است تا این که یک کاری انجام دهد و یا این که واجد یک ویژگی بشود (برای مطالعه درباره دیدگاه مک کالوم ر. ک: MacCallum 1967). در واقع در اینجا وجود آزادی و انتخاب فرد بدیهی تلقی شده است در حالی که برداشت‌ها از آزادی متفاوت پنداشته شده است.^۲ تفاوت میان مکاتب مختلف فکری نیز از همین جا ناشی می‌شود که برداشت آنان از آزادی با برداشت دیگری از آزادی با توجه به مبانی هر کدام متفاوت است. این تعریف از مفهوم آزادی می‌تواند در اینجا نیز مورد توجه قرار گیرد که در هر صورت انسان آزادی را برای این می‌خواهد تا از موانعی آزاد باشد و این که بخواهد عملی را انجام دهد و یا این که واجد یک ویژگی خاصی بشود که تنها از طریق آزاد بودن ممکن است.

با این حال و با فرض این که بیانیه گام دوم به تعریف آزادی نمی‌پردازد اما به دلیل اهمیت مسئلهٔ آزادی در تعریف آزادی اجتماعی، به برخی از مؤلفه‌هایی که در مفهوم آزادی با برداشت مک کالوم آمده است برمی‌خوریم. از این رو در بیانیه می‌خوانیم این آزادی «به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷). در واقع چنانکه پیش از این تصریح شد، انسان آزادی را برای انجام سه کار مطالبه می‌کند و سه نوع آزادی در این بین ترسیم شده است که باید دربارهٔ آن‌ها گفت‌وگو

1. McCallum

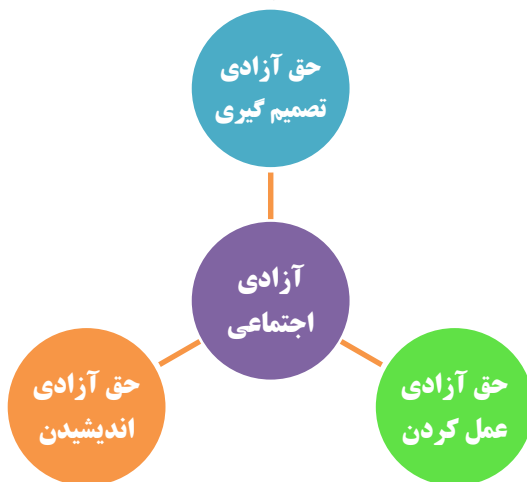
۲. برخی از مفسران دیدگاه وی به هفت برداشت آزادی اشاره کرده اند که در نقد دیدگاه برلین و در تبیین دیدگاه مک کالوم نقش مؤثری ایفا کرده‌اند (واربرتون، ۱۳۹۵).

شود: حق آزادی در تصمیم‌گیری، حق آزادی در عمل کردن و حق آزادی در اندیشیدن. به نظر هر سه نوع آزادی اجتماعی ترسیم شده در بیانیه به نوعی در همدیگر تنیده هستند و در مفهوم ارائه شده از آزادی قرار می‌گیرند. البته ممکن است سطح ارزش‌گذاری هر کدام از این سه بر حسب مبانی نظری فعالیت افراد و جریان‌ها و گروه‌ها متفاوت و مختلف باشد. از این رو ممکن است حق اندیشیدن برای یک فرد پژوهشگر نسبت به یک فعال سیاسی واجد اهمیت بیشتری باشد و هم‌زمان حق تصمیم‌گیری برای یک فعال فرهنگی و یک سیاست‌مدار و یا مردم در انتخابات و رأی‌گیری اهمیت بیشتری داشته باشد و یا حق اقدام و عمل برای یک فعال سیاسی و حزبی واجد اهمیت بیشتری باشد. بنابراین وقتی از این سه نوع آزادی سخن می‌گوییم در واقع طیف متنوعی از سلايق و علايق افراد و گروه‌ها را در بر می‌گیرد و بنابراین می‌تواند به یک نگاه جامع در این زمینه منتهی شود.

رهبر انقلاب مفهوم آزادی اجتماعی را به گونه‌ی دیگری نیز ارائه کرده است که مرور آن در اینجا به تکمیل بحث مفهوم آزادی کمک می‌کند. ایشان در بیانات خود در دانشگاه تربیت مدرس می‌گوید: «منظور از آزادی که در اینجا بحث می‌کنیم، آزادی اجتماعی است. آزادی به مثابه‌ی یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن، و از این قبیل منظور است. همین مقوله در کتاب و سنت مورد تجلیل قرار گرفته است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲). این نگاه البته عرصه‌های آزادی اجتماعی را گسترده‌تر از آنچه در بیانیه گام دوم به آن اشاره شده است در نظر می‌گیرد اما با این حال می‌توان این موارد را نیز به همان سه مورد بیانیه گام دوم ارجاع داد. در واقع صورت‌بندی ارائه‌شده در بیانیه به صورت فشرده‌تری مباحث را مورد توجه داده و به نظر اهم گونه‌های آزادی اجتماعی را مورد اشاره و تصریح قرار داده است.

نکته مهم دیگر البته بازگشت این نوع از آزادی اجتماعی به کتاب و سنت است که آن را به نحوی بومی‌سازی کرده است. در واقع این نوع آزادی و تحقق و تضمین آن به توسط دولت به سبب آن نیست که دنیای مدرن آن را فریاد می‌کشد و در شمار مهم‌ترین مباحث آن است بلکه در گفتار رهبر انقلاب تصریح شده است که انواع آزادی اجتماعی در دل کتاب و سنت اسلامی مورد تجلیل قرار گرفته است و از این رو واجد پشتوانه‌ی مشروعیت دینی است. به

تعبیری شاید بتوان گفت که مضمون آنچه در دنیای جدید مطمح نظر نظریه پردازان آزادی است در کتاب و سنت وجود دارد اگرچه ابعاد و اضلاع و مظاهر آن به صورت نوظهوری مطرح شده است. در ادامه به بحث در هرکدام از موارد سه گانه آزادی اجتماعی می پردازیم.



شکل ۱: موارد سه گانه آزادی اجتماعی
(منبع: یافته‌های پژوهش)

۲-۱. حق آزادی تصمیم‌گیری

حق آزادی تصمیم‌گیری عرصه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. از تصمیم‌گیری مردم برای انتخاب نوع حکومت تا شرکت در انتخابات و انتخاب نامزدهای واجد شرایط مناصب سیاسی و تصمیم‌گیری در سرنوشت کشور را شامل می‌شود. البته در یک صورت بندی دقیق‌تر در این زمینه شاید بتوان گفت پس از تأسیس یک حکومت و تدوین قانون اساسی و تشکیل ارکان آن به صورت قانونی حق تصمیم‌گیری در سه بخش عمده ممکن است اتفاق افتد: اول حق تصمیم‌گیری برای انتخاب شدن و عهده‌داری یک منصب سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در کشور؛ دوم حق تصمیم‌گیری برای انتخاب کردن یک فرد دیگر برای یکی از مناصبی که منوط به رأی‌گیری و برگزاری انتخابات است؛ و سوم حق اعتراض به نهادهای حکومت و انتقاد از آن‌ها و مقامات آنان نسبت به تصمیم‌های اتخاذ شده در فرایندهای مختلف. این موارد با نظرات همگانی مردم و نهادهای سیاسی و مدنی نسبت به فرایند

تصمیمات سیاسی تکمیل می‌شود که برخی از آموزه‌های دینی مانند امر به معروف و نهی از منکر نیز بر آن تأکید دارد. بنابراین این نگاه به طور خاص به آزادی سیاسی و سطوح مختلف آن نظر دارد که در آن افراد بتوانند از حق تصمیم‌گیری درباره سرنوشت خویش برخوردار باشند و مانعی در این زمینه نباشد. طبیعی است که عمده‌ترین مطلبی که در انقلاب اسلامی در بحث آزادی مورد توجه بوده است همین بخش از آزادی است که نشان‌دهنده مردمی بودن و یا غیر مردمی بودن یک حکومت است. از این رو از اهمیت خاصی برخوردار است. این بخش همچنین امتزاج اسلامیت و جمهوریت را نیز به نوعی آشکار می‌سازد. در واقع در این دیدگاه به لحاظ فلسفی آزادی یک حق همگانی به شمار می‌آید که در مرحله عمل و بهره‌مندی از آن با نوعی تکلیف همراه است و فرد موظف است از این حق خود در پیشبرد امور بهره‌بردار.

۲-۲. حق آزادی عمل کردن

آنچه در بخش بالا بیان شد در اینجا به این معنا می‌تواند مورد توجه باشد که فرد بتواند آنچه مورد نظر است را مورد عمل و اقدام قرار دهد. در واقع این نوع از آزادی به اقدام عملی در کشور مربوط است که مردم به طور عملی و واقعی و نه صوری و بر روی کاغذ بتوانند از حقوق مندرج در قانون اساسی برخوردار شوند. برای مثال از حق انتخاب شدن، حق انتخاب کردن، حق اعتراض، انتقاد و مخالفت کردن با سیاست‌ها و سیاست‌مداران برخوردار باشند و کسی در این زمینه با آنان برخورد قهرآمیز و خشونت بار نداشته باشد. این مسیر نیز در فرمایشات رهبر انقلاب به خوبی ترسیم و پذیرفته شده است و ایشان بر این نظرند که مردم و جریان‌ها و گروه‌ها از این حق برخوردارند و حتی برخی از این جریان‌ها از این حق تا حدود زیادی نیز سوء استفاده کرده‌اند.^۱ بنابراین آزادی رأی و انتخاب و نقد و نظارت و آزادی

۱. «استقلال و آزادی در کنار هم جزو شعارهای اصلی انقلاب بوده است؛ آزادی در این کشور تأمین شده است. بله، عده‌ای بی‌انصافی می‌کنند؛ از آزادی موجود استفاده می‌کنند و به دروغ می‌گویند آزادی وجود ندارد؛ رادیوهای بیگانه و تبلیغات بیگانه هم سخن آنها را بازتاب می‌دهند. واقع قضیه این نیست؛ امروز در کشور ما آزادی فکر هست، آزادی بیان هست، آزادی انتخاب هست؛ هیچ‌کس به خاطر این که فکرش و نظرش مخالف نظر حکومت است، مورد فشار و تهدید و تعقیب قرار نمی‌گیرد. هرکس ادعا کند که «من مورد فشار قرار

احزاب در شمار این نوع از آزادی است. فرمایشات امام خمینی نیز در این زمینه روشنگر است که امکان سوء استفاده و محروم کردن مردم در برخورداری از آزادی را به صراحت و بارها در گفتارهای خود یادآور شده است. برای نمونه: «ما می‌گوییم کسی که می‌خواهد یک مملکتی را اداره بکند، کسی که ما می‌خواهیم مقدراتمان را دستش بدهیم باید آدمی باشد که مردم انتخاب کنند و با انتخاب مردم پیش بیاید. قهراً وقتی با انتخاب مردم پیش آمد، صالح است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۵: ۳۲۴). با این وصف اگر فرد منتخب در مسیر تحقق اهداف مشخص شده و قانونی حرکت نکند مشروعیت او سلب شده و اگر در منصب ولی فقیه باشد از ولایت ساقط و مجلس خبرگان رهبری به انجام وظیفه قانونی خود در این زمینه عمل می‌کنند و اگر در مراتب دیگر سیاسی باشد با ترتیباتی که در قانون مشخص شده است عمل می‌شود.

۳-۲. حق آزادی اندیشیدن

تأکید بر اندیشه و اندیشیدن به عنوان یک حق برای انسان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این ویژگی البته تنها ویژگی منحصر به فرد انسان است و تنها انسان است در میان موجودات که به تفکر می‌پردازد. در واقع شاید بتوان گفت این حق وقتی در جامعه جاری باشد و جامعه بر اساس آن زیست نماید زمینه استقلال فردی و اجتماعی در همه ابعاد و به تعبیری استقلال ملی را نیز پدید می‌آورد و جامعه می‌تواند به استقلال فکری و فرهنگی خود دست یابد. در واقع این بعد از آزادی اجتماعی هم به نوعی جریان‌ساز اجتماع است و هم به نوعی استحکام‌بخش استقلال ملی. به ویژه این که تبادل آرا و افکار گوناگون می‌تواند به بهبود اوضاع اجتماعی کمک بسیاری کند. آزادی قلم و بیان و رسانه و مطبوعات به عنوان مظهر آزادی اندیشه می‌تواند در شمار گونه‌های مختلف این نوع از آزادی باشد که دارای

گرفته‌ام چون عقیده‌ام در فلان مسئله برخلاف عقیده‌ی حکومت بوده»، هرکس این جور ادعایی بکند، دروغ گفته؛ چنین چیزی نیست. افراد متعدّد در رسانه‌های مختلف، افکار گوناگون ضدّ حکومت را -که عقیده‌شان است- ابراز می‌کنند و کسی هم با اینها کاری ندارد؛ بنا هم نیست که کسی متعزّض این‌ها بشود. آزادی بیان هم هست؛ می‌توانند بگویند» (بیانات آیت اله خامنه‌ای در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی. ۱۳۹۷/۰۱/۰۱).

اهمیت بسیاری است. به ویژه این که آزادی مطبوعات به سبب اطلاع رسانی و نیز نقد وضعیت موجود و تقاضای وضعیت مطلوب همواره به عنوان یک رکن غیر رسمی ولی مهم قدرت به شمار می آید و این به سبب قدرت تأثیرگذاری مطبوعات در جامعه است. تأکید بر این وجه از آزادی به معنای وجود جامعه‌ای پویا است که برای پیشرفت خود دائم در حال تلاش و تفکر است. فقدان تفکر می تواند هم جامعه را از آزادی محروم نماید و هم آن را از استقلال تهی سازد. بنابراین وجه اهمیت اندیشه و آزادی اندیشیدن می تواند در سایر موارد آزادی نیز تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیم بر جای گذارد.

۴. استقلال ملی

در باب استقلال که سوییۀ دیگر آزادی در سطح بیرونی است و به روابط و مناسبات ملت و دولت با دول خارجی بازمی گردد، این موضوع همه عرصه‌های زیست افراد را در بر می گیرد. از این رو عرصه‌های استقلال ملی را در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی، بهداشت و سلامت و... می توان طرح نمود. به تعبیر دیگر، استقلال به هويت اتباع و شهروندان يك کشور باز می گردد و بیش از آن که مولود نگاه سخت‌افزاری و نوعی خودکفایی و عدم وابستگی تلقی شود به نگاه معرفتی و فرهنگی و معنوی و حتی میراث فکری و ذخایر معنوی یک کشور اشاره دارد که بر اساس آن هويت يك جامعه و کشور ساخته می شود و بر اساس آن اقدامات آن کشور صورت می گیرد. بنابراین استقلال ملی را می توان معادل هويت يك ملت و دولت تلقی کرد که اقدامات و تصمیمات شان بر اساس ارزش ها و فضائل مورد توجه است و هرگونه اقدام مغایر که این هويت را به پرسش بگیرد مورد رد و انکار قرار می گیرد.

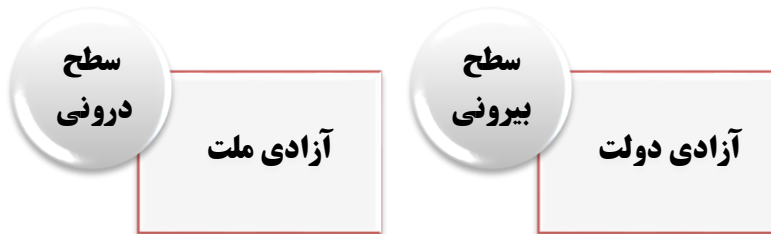
ناگفته نماند که با توجه به گفتارهای رهبر انقلاب، خود مفهوم آزادی نیز مشمول این موضوع است و بر این اساس در باب مفهوم آزادی نیز نباید مقلدانه اندیشید بلکه باید در این زمینه مستقل بیندیشیم (بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار با دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲). البته استقلال در این موارد منافی با گفت وگو، تعامل و تبادلات علمی نیست؛ چنانکه این مسئله صراحتاً توسط رهبر انقلاب در بحث کرسی‌های

آزاداندیشی مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین صرف نظر از عرصه‌های استقلال، این موضوع از فهم خلاقانه و مبتکرانه مبتنی بر اندوخته‌های بومی و تکیه بر تجربه‌های بشری شکل می‌گیرد و نمی‌توان داعیه استقلال و آزادی داشت اما در همه چیز به ویژه در نحوه زیست و سبک زندگی فردی و اجتماعی به نحو مقلدانه و پیرومنشانه مشی کرد.

طبیعی است که مستقل اندیشیدن در اینجا به معنای حصارکشی و استفاده نکردن از دیدگاه دیگر متفکران نیست بلکه در این زمینه بهترین شیوه شاید تضارب آراء و تعامل فکری و گفت‌وگو باشد و به پیشرفت جامعه بشری منتهی می‌شود. با این مفروض، در عین تعامل با دنیا و محصور نکردن کشور درون خود به بهانه استقلال و اندیشیدن به آنچه از دیگر جوامع به ما می‌رسد بر اساس بیانیه گام دوم، و با حفظ و بزرگداشت هویت فکری و ملی، دو مطلب در بحث استقلال قابل تأمل است: نخست آزادی ملت و دوم آزادی دولت. این نگاه نیز البته می‌تواند مبتنی بر همبستگی میان ملت و دولت طرح شود که در آن هر دو سطح باید به گونه هم‌بسته‌ای پیش بروند. در واقع نمی‌توان ادعای استقلال داشت اما ملت سر در سودای سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی غرب و اقتصاد و مصرف غرب یا شرق داشته باشد و یا برعکس، ملت خواستار استقلال فکری و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی باشد اما در مقابل، دولت در پی تقلید در حوزه‌های مختلف در جامعه باشد. این هر دو گونه الگو در دوره معاصر در ایران آزمون شده است.

بر این اساس نکته مهمی که در بیانیه آمده است به نظر مطلبی کلیدی و مهم است که نباید از یاد برود و آن این‌که: «بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود [باشد]». به نظر این نکته بدیهی اما پر اهمیت و تأثیرگذار گاهی یا فراموش می‌شود و یا مورد غفلت قرار می‌گیرد و تلاش‌ها معطوف به آن می‌شود که کشور، زندانی مرزهای خودخواسته سلیق و علایق شود. لذا بیانیه تصریح دارد که استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). رهبری در بیانیه گام دوم استقلال را مقدم بر آزادی ذکر کردند. این تقدم و تأخر را ایشان در بحث دیگری این گونه توضیح دادند: «ذکر عام بعد از خاص است؛ اول می‌گوییم "استقلال"، بعد می‌گوییم "آزادی". استقلال،

بخش غیرقابل انفکاک از آزادی است یعنی جزئی از آزادی است... آزادی در مقیاس یک ملت است» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۶/۱۶). بر این پایه استقلال را باید در دو سطح درونی و بیرونی مورد توجه قرار داد.



شکل ۲: سطوح استقلال
(منبع: یافته‌های پژوهش)

۴-۱. آزادی ملت

آزادی ملت به طور کلی معنای حضور و مشارکت واقعی در عرصه‌های داخلی است. اگر این نگاه یعنی حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های داخلی به شمار آید اولاً باید بتوان برای آن یک منطق و بحث مبتنی بر مبانی نظری فلسفی این مرز و بوم ارائه نمود. مباحثی که مقام رهبری و دیگر متفکران مسلمان مانند استاد مرتضی مطهری (برای مطالعه درباره دیدگاه شهید مطهری ر.ک: مطهری، ۱۳۷۱) و دیگران در زمینه مفهوم آزادی مطرح کرده‌اند می‌تواند در طرح مفهوم مستقل آزادی و ارائه یک مفهوم غیر مقلدانه از آزادی در این زمینه مفید و مؤثر باشد. آنچه در بالا ذکر شد می‌تواند در این زمینه طرح شود که در ادامه به آن توجه می‌شود.

از این رو، ثانیاً می‌توان گفت مفهوم واقعی آزادی در اینجا به این معنا است که مردم بتوانند به طور واقعی در مسیر تعیین سرنوشت خود نقش‌آفرینی کنند که در واقع بخش انجام فعل و ترک فعل به صورت پر قوت مطرح می‌شود. به عبارتی مشارکت به معنای آزادی بیان و حضور ملموس مردم در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی به ویژه عرصه انتخابات است و آنچه قبل از این با عنوان آزادی اجتماعی طرح شد می‌تواند مطمح نظر باشد و مورد توجه قرار گیرد. از این رو می‌توان گفت تحقق همه عرصه‌های آزادی اجتماعی است که آزادی ملت را تأمین و تضمین می‌کند و بدین وسیله می‌تواند جوانب مختلف سیاست و تصمیمات سیاسی

زیر تیغ نگاه آزاد ملت باشد. به ویژه در این وضعیت، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و نقد تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که می‌تواند استقلال کشور را تأمین نماید. بنابراین از این منظر وجود و تحقق آزادی در همه عرصه‌های اجتماعی می‌تواند کمک‌کننده مهمی در این زمینه باشد. البته شاید بتوان گفت که بدون یک جامعه مدنی قوی و قدرت مند و پویا و مشارکت‌کننده در امر سیاست و نیز بدون احزاب و تشکیلات قوی که در راستای وظایف خود مانند تدوین برنامه برای سیاست‌ورزی و کادرسازی و تربیت نیرو فعال باشند، نمی‌توان از تحقق آزادی ملت سخن گفت.

مهم‌ترین عنصری که در این بخش می‌توان به آن اشاره کرد همانا وجود و هویت بخشی است که يك ملت را از دیگر ملت‌ها متمایز می‌کند. البته مباحث دیگری نیز در اینجا واجد اهمیت است. باید گفت که استقلال آسان به دست نمی‌آید. از این روست که جامعه ممکن است استقلال داشته باشد اما فاقد رفاه مادی هم باشد و یا جامعه از شادی هم بهره‌ای نداشته باشد اما در اهداف اصلی و اساسی به صورت همبسته‌ای عمل کند. برای مثال در مقابل دشمن بیرونی به شدت حساس باشد و به موقع وارد عمل شود. در واقع واجد فضیلت تفکر و انتخاب اصیل باشد اما در مقابل فشارهای دیگران و تفکرات دیگران هم مقاومت نماید. از این رو ممکن است جامعه از یک سوی دارای استقلال باشد اما متحمل درد و رنج هم بشود و از سویی وابسته باشد اما شاد هم زیست نماید. در نتیجه استقلال به عنوان یک ارزش و فضیلت ممکن است در جامعه وجود داشته باشد اما حفظ و حراست از این استقلال نیز بی‌هزینه ممکن نشود. تدابیر حکمرانان است که می‌تواند این درد و هزینه را کاهش دهد و به نحو مطلوب با پیشرفت جامعه همراه سازد که ترکیب جمهوریّت و اسلامیت یکی از مصادیق آن و پیشرفت آفرین در ابعاد مختلف دنیوی و اخروی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۲-۴. آزادی دولت

این بخش از آزادی جلوه بیشتری در موضوع استقلال دارد و در واقع بیشتر می‌تواند فضای استقلال را نشان دهد. از این رو است که در اینجا نیز می‌توان بر نحوه تصمیم‌گیری دولت

تأکید کرد و این‌که در این تصمیم‌گیری منافع مردم و کشور لحاظ شود تا منافع قدرت‌های بزرگ و یا گروه‌های سیاسی داخلی و یا دیگر کشورها. به نظر آزادی دولت می‌تواند در عرصه تصمیمات بین‌المللی بازتاب و جلوه داشته باشد. در این مسیر البته حضور واقعی مردم و مشارکت واقعی آنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی می‌تواند به‌عنوان پشتوانه واقعی و مهم این تصمیمات نقش داشته باشد. به تعبیر میگدال «بدون بسیج سیاسی حمایت مردم، توانایی رهبران دولت برای پیگیری برنامه‌های نوآورانه و یا هماهنگ نمودن نهادهای دولت که می‌توانند استقلال قابل ملاحظه‌ای در برابر دیگر مراکز قدرت اعمال کنند، محدود باقی می‌ماند» (میگدال، ۱۳۹۵، ۱۳۳).

افزون بر این حکمرانی خوب نیز می‌تواند ویژگی‌های چنین دولتی را به خوبی ترسیم نماید. حکمرانی خوب اصطلاحی است که از سوی صندوق بین‌المللی پول وضع شده است و تلاش می‌کند وضعیت دولت‌ها را با شاخص‌های مختلفی مورد سنجش قرار دهد. این شاخص‌ها از این قرارند: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی یا عدالت، اثربخشی و کارایی، مسؤولیت‌پذیری (برای مطالعه یک دیدگاه در بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب ر.ک: صباغ کرمانی و باسنا، ۱۳۸۸). استقلال می‌تواند هر کدام از این شاخص‌ها را بر اساس و با ابتدای به‌آموزه‌های دینی و گفتارهای رهبران انقلاب اسلامی به نحو مطلوبی فراهم نماید و چه بسا بتوان استقلال را بر اساس شاخص‌های مذکور نیز مورد سنجش قرار داد. در واقع ما وقتی از استقلال سخن می‌گوییم و کشوری را مستقل می‌شماریم که در آن مشارکت سیاسی و فعالیت سیاسی در سطح مطلوبی است؛ حاکمیت قانون، رافع منازعات و مانع بهره‌مندی افراد از امتیازات به نحو تبعیض‌آمیز است؛ شفافیت در تصمیمات و اقدامات سیاسی عامل بقای حکمرانی و روندهای آن است؛ پاسخ‌گویی به تداوم حکمرانی و حکمرانان می‌انجامد؛ وفاق عمومی شکل گرفته و جامعه واجد انسجام و همبستگی می‌شود؛ مساوات و عدالت تحقق می‌یابد و بر اساس آن کارایی عمومی و اثربخشی قوانین افزایش می‌یابد و مسؤولیت در چارچوب قانون پذیرفته می‌شود.

افزون بر این موارد که می‌تواند به تداوم استقلال یک ملت و دولت هم‌زمان کمک نماید،

برخی عناصر موجود در بیانیه مانند توجه به جوانان و تکیه بر آنان برای پیشرفت کشور نیز در شمار مقومات استقلال به شمار می‌رود. همچنین امید به عنوان «نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷) جوانان که در بیانیه طرح شده است می‌تواند چشم‌انداز مطلوبی را در مسیر استقلال فراهم آورد. از این رو این دو شاخص (یعنی اعتماد به جوانان و امیدواری) در کنار شاخص‌های حکمرانی مطلوب نقش بسیار مهمی در تداوم سیر استقلال کشور و حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی ایفا می‌کنند. البته ناگفته نماند که هر کدام از شاخص‌ها به گونه‌ای است که می‌تواند ابعاد آزادی دولت را از یک‌سوی بیشتر تحقق بخشد و از سوی دیگر تصمیمات دولت مورد توجه مردم است و جامعه مدنی می‌تواند به نقد این تصمیمات اقدام نماید و بر استقلال کشور و تضمین این استقلال تأکید نماید. در واقع هنگامی که مردم خود را در اتخاذ تصمیمات و روندهای سیاسی جامعه همراه ببینند، زمینه استقلال کشور بیش از پیش محکم و استوار می‌شود.

این بحث در عرصه داخلی از منظری دیگر به ویژه از منظر نقش خود دولت هم قابل بررسی است. برخی مواقع محدودیت‌های قانونی و شرعی و عرفی جلوی آزادی را نمی‌گیرد بلکه تورم سازمان‌ها و دستگاه‌های رسمی دولتی، انتخاب اصیل و آزاد را مسدود می‌کند. دولت متورم با دستگاه عریض و طویل اداری و بوروکراسی که محمل اعمال قدرت و حکمرانی است به گونه‌ای عمل می‌کند که امکان بهره‌برداری از آزادی را از افراد مختلف سلب می‌کند و یا کاهش می‌دهد و هم‌زمان افراد را به سمت اقدامات و اعمال غیرقانونی می‌کشاند. مانند این که برای انجام کار خود رشوه پرداخت کند و یا از انجام فعالیت مورد نظر خود صرف نظر کند. این وضعیت سبب شده است انجام بسیاری از امور مدنی تعطیل و یا متوقف شود، چون منوط به اجازه دولت و مداخله دولت است. این هم بخش دیگری از وجه استقلال و انتخاب اصیل می‌تواند تلقی شود.

این تلقی که دولت واجد اختیارات فراوان و حوزه عمل بیشتری نسبت به دیگر گروه‌ها و احزاب درون یک کشور است و از بودجه و امکانات گسترده در کنار اختیارات فراوان بهره‌مند است ممکن است باعث به وجود آمدن این تلقی شود که دولت به نحو مستقلمی عمل می‌کند در حالی که چنین اقداماتی به تعبیر جوئل میگدال «استقلال واقعی دولت» را

تضمین نمی‌کند. استقلال واقعی در پیوند با مردم و انسجام و هماهنگی کافی میان نهادهای دولتی برای انجام بسیج سیاسی گسترده می‌تواند اتفاق بیفتد (میگدال، ۱۳۹۵، ۱۱۸).^۱ این موضوع برای انقلاب اسلامی که از دل جامعه و با همراهی مردم به پیروزی رسیده است تحصیل حاصل است اما در ادامه نیز باید این همراهی تداوم یابد. از این رو از منظر رهبر معظم انقلاب، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی به‌عنوان «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور» ذکر شده است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷). با توجه به آنچه در بخش آزادی ملت هم ذکر شد ارزش شمردن استقلال می‌تواند نگاه به استقلال را متفاوت تعبیر و تفسیر نماید. در نتیجه در اینجا به منظور تبیین استقلال می‌توان گفت عنصر مقاومت بیش از هر چیز خودنمایی می‌کند. در واقع به جز اتکای به مردم در تصمیمات، اتخاذ تصمیمات حکیمانه و خردمندانه مبتنی بر تفکر می‌تواند بر عمق استقلال بیفزاید و از درد و رنج مردم نیز بکاهد. از این رو نکته مهمی که باید مورد توجه آینده‌سازان و در رأس آن‌ها دولت قرار بگیرد، «این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی) لذا در اینجا تأکید این است که نباید استقلال به معنای بی‌عملی دولت تفسیر شود و درد و رنج مردم در راه استقلال امری رایج تلقی شود بلکه با کار مداوم و تلاش بی‌وقفه باید بتوان درد و رنج و آلام مردم را کاسته و هزینه‌زا بودن استقلال را کاهش داد.

نتیجه‌گیری

استقلال و آزادی در شمار مهم‌ترین مفاهیم طرح‌شده در انقلاب اسلامی است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌طور مبسوط مورد توجه قرار گرفته و اینک در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز مورد توجه مضاعف واقع شده است. تأکید بر این دو مفهوم که

۱. میگدال مباحث مهمی را در فصل سوم کتاب خود درباره دولت‌های قوی و دولت‌های ضعیف مطرح می‌کند که این مباحث به نحو مهمی در استقلال دولت و عدم استقلال دولت می‌تواند مؤثر واقع شود. گو این که در این اثر مراد از استقلال و فقدان آن درباره رهبران و دولت‌ها به کار می‌رود و چنان که در متن هم اشاره شد ناظر به دو جنبه درونی و بیرونی در یک دولت است.

ضمن وقوف بر پیچیدگی‌های مفهومی هر کدام، در زمینه‌های زیادی با یکدیگر همبستگی می‌یابند، در واقع به معنای تأکید بر عناصر پدیدآورنده انقلاب اسلامی و به‌ویژه در شمار عناصر تداوم‌بخش آن در قالب جمهوری اسلامی است. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که بازخوانی این دو مفهوم به نوعی سبک زیست فرهنگی و اجتماعی افراد در نظام سیاسی جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی را نیز ترسیم می‌نماید.

افزون بر این، از مجموع بحث‌هایی که گذشت می‌توان گفت استقلال يك فضیلت و ارزش نیز تلقی می‌شود که بسیاری از ارزش‌های مطرح در انقلاب اسلامی در ضمن و ذیل و در ارتباط با آن معنا دار می‌شود و تحقق می‌یابد. از خود مفهوم آزادی که پیوستگی و چسبندگی مهمی با دانش‌واژه استقلال دارد تا دیگر مفاهیم مانند آنچه در بحث حکمرانی خوب و یا دیگر مفاهیم مطرح در بیانیه مانند امید مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین استقلال با انتخاب اصیل و تفکر و مقاومت هم در ارتباط است و نمی‌توان بدون تفکر و مقاومت، به استقلال، یعنی انتخاب اصیل دست یافت.

استقلال و آزادی البته به‌طور مستقیم با حقوق مردم نیز در ارتباط است. نمی‌توان از مردم توقع داشت در تعیین سرنوشت خود و تصمیماتی که برای آن گرفته می‌شود هیچ مشارکت و نقشی نداشته باشند آن‌گاه از حکومت این توقع و انتظار وجود داشته باشد که بتواند بر اساس استقلال مشی نماید و از وابستگی کشور محافظت نماید. وجود استقلال و آزادی در يك جامعه، پیوند ناگسستنی با نحوه حضور و نقش مردم در حکمرانی دارد و به هر اندازه این نقش وسیع و گسترده تعیین و سطوح مختلف را شامل شود می‌توان گفت که استقلال و آزادی به‌عنوان ارزش‌های نادر و قابل توجه در يك کشور جریان دارد. در واقع به یک معنا بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی این نگاه مستلزم همراهی ملت و دولت در ساحت متعالی آن است که به همبستگی و تداوم جمهوریت و اسلامیت می‌انجامد و استقلال و آزادی را تضمین و تثبیت می‌کند. این مسیر می‌تواند چشم‌انداز پیشرفت مطلوب را در پیش چشمان ما روشن‌تر نماید.

استقلال و آزادی در انقلاب اسلامی؛ رهاوردها و بایسته‌ها... - شریف لک‌زایی (۳۰۸-۳۳۴) / ۳۳۳

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). «بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران»، ۲۲۲۲ بهمن.

خراسانی، محمدکاظم (۱۴۲۶). کفایه الاصول (عباسعلی). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
سعیدی، روح الامین (۱۳۹۴). استقلال آزادی در مقیاس یک ملت □: بازخوانی مفهوم استقلال در منظومه گفت‌مانی انقلاب اسلامی. تهران: خبرگزاری تسنیم.
صابری، مجتبی (۱۳۹۹). گام دوم انقلاب اسلامی: توصیه پنجم (استقلال و آزادی). تهران: سراج اندیشه اسلامی.

صباغ کرمانی، مجید و مهدی باسحا (۱۳۸۸). «نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی»، مجله تحقیقات اقتصادی، س ۴۴، ش ۱، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹-۱۳۰.

عقیلی‌پور، جواد. ۱۳۹۹. گام دوم انقلاب: استقلال و آزادی. تهران: عصر جوان.
علی‌پور گرجی، محمود (۱۳۹۰). «بررسی آزادی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، مطالعات انقلاب اسلامی، س ۸، ش ۲۷، ص ۱۹۹-۲۲۶.

گل‌محمدی، احمد. ۱۳۹۵. چیستی، تحول و چشم‌انداز دولت. تهران: نشر نی.
لک‌زایی، شریف (۱۳۸۰). «ساز و کارهای تأمین آزادی در قانون اساسی»، پگاه حوزه، ش ۱۰: دسترسی در: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3814/7395/92078>.

_____ (۱۳۸۵). «اندیشه آزادی از منظر آیت‌الله نائینی و آیت‌الله نوری»، پگاه حوزه، ش ۱۳۸۷، دسترسی در: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3814/4852/40246>.

_____ (۱۳۸۷). سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه - دفتر اول: نشست‌ها و گفت‌وگوها. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). «استقلال و آزادی»، کیهان فرهنگی، س ۹، ش ۸۵، ص ۲۰-۲۱.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۹) صحیفه امام. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

میگدال، جوئل (۱۳۹۵). دولت در جامعه: چگونه دولت‌ها و جوامع یکدیگر را متحول ساخته و شکل می‌دهند؟، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.

نعم، مختار (۱۳۹۷). «نقد استقلال ارزش آزادی قراردادی»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر،

۳۳۴ / پژوهش‌های سیاست اسلامی / سال دهم / شماره بیست‌ودوم / پاییز و زمستان ۱۴۰۱

س ۹، ش ۱۷، ص ۱۲۳-۱۵۶.

واربرتون، نایجل (۱۳۹۵). آزادی؛ مقدمه به همراه گزیده متون، ترجمه‌ی جیرانی یاشار. تهران:

نگاه معاصر.

MacCallum, Gerald C. 1967. "Negative and Positive Freedom," *The Philosophical Review* 76 (3): 312-334.